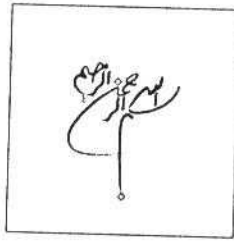


6154



نسیم حیات

تفسیر بیان کریم / جزء هشتم

تالیف

ابوالفضل پیرامور



مؤسسه انتشارات هجرت

۱۳۹۵

بهرامپور، ابوالفضل، ۱۳۲۰.
نسیم حیات، تفسیر قرآن کریم، جزء ۸، ابوالفضل بهرامپور.
قم: هجرت، ۱۳۸۰، ۲۸۰ ص.

ISBN 964 - 5875 - 57 - 9

دوره 6 - 22 - ISBN 964 - 5875

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. تفاسیر (جزء ۸)، ۲. تفاسیر شیعه - قرن ۱۴ الف. عنوان.

۲۹۷ / ۱۸ BP ۱۰۲ / ۲ / ۹

کتابخانه ملی ایران ۲۱۳۴۵ - ۸۰ م



مؤسسه انتشارات هجرت

قم / خیابان معلم / کوچه یاسک ۱۰

صندوق پستی ۱۹۳ • تلفن ۰۷۷۴۲۴۵۹ • فاکس ۰۸۷۷۴۰۸۷۷۴

نسیم حیات / تفسیر قرآن کریم / (جزء هجرت)

تالیف / ابوالفضل بهرامپور

ناشر / مؤسسه انتشارات هجرت

چاپ دوازدهم / تابستان ۱۳۹۵

چاپخانه / زمزم

تیراژ / ۵۰۰۰ نسخه

شابک اختصاصی ۹-۵۷-۵۸۷۵-۵۸۷۵-۹۶۴

شابک دوره ای ۶-۲۲-۵۸۷۵-۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

Email: hejrat_pub@yahoo.com

سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۶۱۸۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

دوران امامت ایشان مصادف بود با اواخر حکومت امویان که در سال ۱۳۲ مقرر شد و اوایل حکومت عباسیان که از این تاریخ شروع شد.

امام صادق علیه السلام از میان خلفای اموی با هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید بن عبدالملک یزید بن ولید بن عبدالملک ابراهیم بن ولید بن عبدالملک و مروان بن محمد مشهور به مروان حمار معاصر بودند و از میان خلفای عباسی با عبدالله بن محمد مشهور به سفاح و ابوجعفر مشهور به منصور دوانیقی معاصر بودند.

عصر امام صادق علیه السلام در میان امامان منحصر به فرد بود و شرایط اجتماعی و فرهنگی و سیاسی عصر آن حضرت در زمان هیچ یک از ائمه وجود نداشت. زیرا آن دوره را نظر سیاسی دوره ضعف و تزلزل حکومت بنی امیه و فزونی قدرت بنی عباس بود و این گروه مدتی در حال کشمکش و مبارزه با یکدیگر بودند. از زمان هشام بن عبدالملک (۱۰۵-۱۲۵ هـ.ق) تبلیغات و مبارزات سیاسی عباسیان آغاز گردید و در سال ۱۱۹ م. آنان وارد مرحله مسلحانه شد و سرانجام در سال ۱۳۲ به پیروزی رسید. در آن زمان بنی امیه در این مدت گرفتار مشکلات سیاسی فراوان بودند لذا فرصت ایجاد فشار و استنطاق نسبت به امام و شیعیان را مثل زمان امام سجاد علیه السلام نداشتند. عباسیان نیز چون پیش از دستیابی به قدرت در پوشش شعار طرفداری از اهل بیت پیامبر و گرفتن انتقام خون آنان عمل می کردند، فشاری از طرف آنان به وجود نمی آمد از این رو این دوران از لحاظ سیاسی، دوران آرامش و آزادی نسبی برای امام صادق علیه السلام و شیعیان بود و فرصت برای فعالیت علمی و فرهنگی بسیار مناسب بود. از طرفی از نظر فکری و فرهنگی نیز عصر آن حضرت، عصر جنبش و تکاپو بود. در آن زمان شور و شوق علمی بنی امیه در جامعه اسلامی به وجود آمده بود و علوم مختلفی اعم از علوم اسلامی همچون علم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، فقه، کلام، طب، فلسفه، نجوم، ریاضیات و غیره پدید آمده بود به طوری که هرکس کالای فکری داشت به بازار علم و دانش عرضه می کرد. طبعاً در این آشفته بازار هر اندیشه و عقیده‌ای سرازیر بود. بدین جهت آن عصر را عصر برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف نیز می توان به حساب آورد. در اثر برخورد مسلمین با عقاید و آرای اهل کتاب و دانشمندان یونان و دهریون مادی شبهات و اشکالات گوناگونی پدید آمده بود. در آن زمان فرقه‌هایی همچون معتزله،

جبریه، مرجئه، غلات، زنادقه، مشبهه، مجسمه، متصوفه، تناسخیه و امثال آنها پدید آمده بود که هر کدام عقاید خود را ترویج می‌کردند.

امام صادق علیه السلام با توجه به این فرصت مناسب سیاسی و نیاز شدید جامعه و آمادگی زمینه اجتماعی دنباله نهضت علمی و فرهنگی پدر گرامی‌اش امام باقر را گرفت و حوزه علمی وسیع و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته‌های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز شاگردان برجسته‌ای همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، زرارة بن اعین، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مؤمن طاق، مفضل بن عمر جابر بن بیان و ... تربیت کرد که تعداد آنان را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته‌اند.

امام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌ای که با ذوق و قریحه او سازگار بود تشویق و تعلیم می‌فرمود؛ در نتیجه هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم تخصص پیدا می‌کردند به طوری که اگر کسی در هر زمینه‌ای می‌خواست با امام علیه السلام مناظره علمی بکند، امام یک از شاگردان خود را که در آن رشته و موضوع تخصص داشت مأمور می‌کرد و همگی با مذاق و محکم طرف مقابل خود را ساکت و تسلیم می‌نمودند. شاگردان آن حضرت منحصر به شیعیان نبودند بلکه از فرقه‌ها و مکاتب دیگر نیز افرادی توفیق شاگردی ایشان را یافتند و از علوم آن حضرت بهره‌مند شدند. پیشوایان مشهور اهل تسنن، بلا واسطه یا با واسطه شاگرد امام بوده‌اند. از جمله ابوحنیفه که دو سال شاگرد حضرت بوده و خود را حضرت است که پایه علوم او در این دو سال ریخته شده است. این جمله از او مشهور است که «لولا السنتان لهلك النعمان» یعنی اگر آن دو سال نبود «نعمان» (اسم ابوحنیفه) است هلاک می‌شد.

ذکر این نکته لازم است که برخلاف تصور عمومی، حرکت امام صادق علیه السلام منحصر به کار علمی و فرهنگی نبود، بلکه فعالیت سیاسی نیز داشتند به طوری که حتی به منظور تبلیغ جریان اصیل امامت، نمایندگان به مناطق مختلف می‌فرستاد. اما علیه حکومت‌های اموی و عباسی قیام رسمی نکرد و خود را کنار کشید. حتی وقتی عباسیان که با شعار طرفداری از خاندان پیامبر بر ضد امویان قیام کرده بودند، به ایشان پیشنهاد خلافت دادند، نپذیرفت. زیرا که اولاً از اهداف باطنی آنان آگاه بود که قصد دارند امام را پُلّی برای رسیدن به اهداف خود قرار دهند و وقتی توانستند سوار بر مرکب حکومت شوند امام را کنار زده خود بر مسند بنشینند، و ثانیاً افراد و

نیروهای سالمی که بتوانند اهداف مقدس امام را پس از پیروزی و بر مسند نشستن امام پیاده کنند، وجود نداشت. لذا راه درست آن بود که نیروهای اسلامی شناس و مخلص، تربیت کند تا هم خودشان، دین را خوب بشناسند و هم مردم را با معارف و احکام اصیل اسلام آشنا گردانند. لذا در این راه موفقیت چشمگیری به دست آورد و توانست عمده معارف الهی و اسلامی را به پیکر نیمه جان جامعه اسلامی تزریق کند به طوری که در هر زمینه و رشته‌ای از علوم روایات فراوانی از ایشان به جای مانده و معضلات بسیاری حل گردیده است و غالب آنچه ما از اسلام می‌شناسیم از صادق آل محمد علیهم‌السلام است.

www.ketab.ir

فهرست مطالب مهم

سورة انعام	
آية ۱۱۱-۱۱۳	۱۵
ایمان جبری	۱۷
آیا شیاطین را خداوند دشمن پیامبران قرار داد؟	۱۸
زخوف القول چیست؟	۲۰
آية ۱۱۴-۱۱۷	۲۴
منهجه کلام در آیات	۲۶
نظ قرآن درباره اکثریت	۲۹
آية ۱۱۸-۱۲۱	۳۲
آية ۱۲۲-۱۲۳	۳۷
ابوجهل دشمن سرسخت	۳۸
کافر میت است	۳۹
آية ۱۲۴	۴۲
آية ۱۲۵-۱۲۷	۴۴
هدایت تشریحی	۴۵
شرح صدر	۴۸
آية ۱۲۸-۱۲۹	۵۱
آية ۱۳۰-۱۳۲	۵۵
آیا جنیان پیامبری از خود دارند؟	۵۶
آية ۱۳۳-۱۳۵	۶۰
آية ۱۳۷-۱۳۵	۶۲
فلسفه قتل اولاد	۶۵
آية ۱۳۸-۱۴۰	۶۷
آية ۱۴۱	۷۱
آية ۱۴۲-۱۴۴	۷۴
آية ۱۴۵-۱۴۷	۷۸

- آنچه بر یهود حرام بوده آیه ۱۴۸-۱۵۰ ۸۲
- حجت بالغه چیست؟ آیه ۱۵۱ ۸۷
- چه اتفاق جالبی آیه ۱۵۲-۱۵۳ ۹۳
- احسان به والدین بعد از توحید آیه ۱۵۴-۱۵۷ ۱۰۰
- کلیات ده گانه دین آیه ۱۵۸-۱۵۹ ۱۰۵
- ده حکم اساسی آیه ۱۶۰-۱۶۳ ۱۱۱
- ایمان بعد از وقت آیه ۱۶۴-۱۶۵ ۱۱۷
- دشمن انسان در دین یا به عکس؟ آیه ۱۶۶-۱۶۸ ۱۱۸
- حدیث سراق آیه ۱۶۹ ۱۰۹
- در چه صورت مسؤل کار دیگرانیم؟ آیه ۱۷۰ ۱۲۱
- سوره اعراف** آیه ۱-۳ ۱۲۴
- مدینه و دوران پس از هجرت آیه ۴-۷ ۱۲۷
- بازرسی عمومی آیه ۸-۱۰ ۱۳۳
- معنای «قصه» آیه ۱۱ ۱۳۱
- میزان اعمال چیست؟ آیه ۱۲ ۱۳۴
- وسیله سنجش اعمال آیه ۱۳ ۱۳۶
- میزان عقاید آیه ۱۴ ۱۳۷
- میزان‌های نوسانی آیه ۱۵ ۱۳۹

- ۱۴۰ کثرت و قلت نعمت‌ها
- ۱۴۲ آیه ۱۱-۱۵
- ۱۴۳ سجده برای غیرخدا
- ۱۴۵ چرا خلقت آدم را با فرشتگان در میان گذاشت؟
- ۱۴۹ آیه ۱۶-۱۸
- ۱۵۰ جهات چهارگانه
- ۱۵۲ وجود ابلیس مایه کمال
- ۱۵۴ آیه ۱۹-۲۲
- ۱۵۵ بهشت رفتن چه آسان
- ۱۵۸ قدم اول در گناه
- ۱۵۹ شیطان چگونه در انسان نفوذ می‌کند؟
- ۱۶۱ اطاعت فرمان
- ۱۶۲ آیه ۲۳-۱
- ۱۶۵ آیه ۲۶-۲۷
- ۱۶۶ هشدار به فرزندان آدم
- ۱۶۷ لباس تن و لباس روح
- ۱۷۱ با توجه به قدرت شیطان نجات‌بخشی است
- ۱۷۳ آیه ۲۸-۳۰
- ۱۷۷ جایی که عقل هم فریب می‌خورد
- ۱۷۹ آیه ۳۱-۳۴
- ۱۸۱ هارون الرشید و طبیب
- ۱۸۲ محدوده زینت و تجمل از نظر قرآن
- ۱۸۱ حدود مشروعیت استفاده از لذایذ
- ۱۸۶ محرمات شرعی
- ۱۸۸ گناهان مشخص
- ۱۹۰ آیه ۳۵-۳۶
- ۱۹۲ آیه ۳۷
- ۱۹۵ آیه ۳۸-۳۹
- ۱۹۶ مجادله رهبران ضلالت با پیروان خود
- ۱۹۷ چرا پیروان عذاب مضاعف دارند؟

۱۹۹	آیة ۴۰-۴۱
۲۰۰	کافران چگونه قبض روح می شوند؟
۲۰۴	آیة ۴۲-۴۳
۲۱۰	آیة ۴۴-۴۵
۲۱۳	مؤذن کیست؟
۲۱۶	آیة ۴۶-۴۹
۲۱۹	اصحاب اعراف
۲۲۴	آیة ۵۰-۵۱
۲۲۵	از «أَفْضُوا» چه می فهمیم.
۲۲۸	آیة ۵۲-۵۳
۲۳۰	ارزوی رگشست به دنیا.
۲۳۱	آیة ۵۴
۲۳۳	آفرینش آدم در زمین روز
۲۳۴	معنای عرش
۲۳۵	خلق و امر چیست؟
۲۳۸	آیة ۵۵-۵۶
۲۴۰	شرایط استجابات
۲۴۲	یک خاطره از دوران نوجوانی
۲۴۶	فساد بعد از کدام اصلاح؟
۲۴۷	آیة ۵۷-۵۸
۲۵۰	آیة ۵۹-۶۴
۲۵۱	عمر نوح (ع)
۲۵۵	آیة ۶۵-۶۹
۲۵۹	آیة ۷۰-۷۲
۲۶۲	آیة ۷۳-۷۴
۲۶۶	آیة ۷۵-۷۹
۲۶۸	اولین شقی
۲۷۰	آیة ۸۰-۸۴
۲۷۴	آیة ۸۵-۸۷

مقدمه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴)

ای مؤمنان! به دعوت خدا و پیامبر که شما را به پیامی حیات‌بخش می‌خوانند لبیک اجابت بگویید.

عده‌ای از مردم متأسفانه به قرآن کریم به دیده طلسم و جادوی بسته‌ای می‌نگرند که هرگز نمی‌توان گره آن را باز کرد؛ در حالی که باید بدانند قرآن برای هدایت ناس است «هُدًى لِلنَّاسِ» و ناس یعنی همین مردم؛ و فرموده است: «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ ... ما به یقین قرآن را آسان کردیم تا ببند گیرند».

منظور آیه این است که ما قرآن را برای شما قابل فهم نمودیم که پند و اندرز ما را بفهمید و به کار بندید پس توشه خود را از قرآن بگیرید. از این رو برای افرادی که قرآن را مشکل و سخت می‌پندارند باید تفسیری ساده تنظیم کرد. شاید بتوان گفت جای چنین تفسیری در جامعه ما خالی است و باید در کنار تفسیرهای نفیس چندین جلدی، تفسیر کوتاهی هم داشته باشیم.

از طرف دیگر، بسیاری از مردم علاقه دارند که از قرآن مفهومی بیش از حد ترجمه بدانند؛ یعنی می‌خواهند تفسیر آیه و یا سوره مورد نظر را به دست آورند، ولی با این مشکل مواجه می‌شوند که تفسیرهای موجودی که در دست دارند، طولانی و مفصل است. در این تفسیرها غالباً آرای مختلف تفسیری یا مسائل فقهی و گاهی شرح الفاظ و مشتقات آن به میان آمده و موجب گردیده که شخص نتواند به آسانی آن مفهوم و منظور آیه را به دست آورد.

با توجه به شرایط شغلی و تحصیلی و فرصت اکثر مردم برای مطالعه، حجم خود قرآن، حجم قابل قبولی است، ولی مسلمانان غیرعرب برای به دست آوردن مفاهیم پیام‌های قرآن لزوماً به تفسیر احتیاج دارند و تفسیرهایی که غالباً در مجلدات پرحجمی در دسترس است، بسیاری از مردم را از نزدیک شدن به قرآن بی‌نصیب ساخته است، زیرا آنها فرصت چنین مطالعه‌ای را نمی‌یابند و طبعاً تفسیری لازم است که حجم آن محدود و متناسب با فرصت آنها باشد.

تفسیر حاضر به نام «نسیم حیات» را که ملاحظه می‌کنید برای این منظور تهیه شده است. نسیم حیات در قطع کوچک رقیعی و جزء جزء پیش می‌رود تا به عنوان تفسیر همراه قابل حمل در سفرها یا محل کار باشد.

تذکره: کم حجم بودن این تفسیر به این معنا نیست که ما از شرح ضروری مطالب قرآن صرف نظر کرده‌ایم، بلکه آنچه مربوط به هدایت انسان است شرح گردیده و حتی نکات علمی که در آن مطرح شده همه به خاطر وجود پیام‌های هدایتی بوده است. ما بحث‌های غیر لازم را حذف نموده‌ایم، زیرا جایگاه این گونه بحث‌ها که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود، تفسیر نیست؛ مثلاً می‌بینیم در تفسیر «آیه الكرسي» درباره «لا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» و خواب نمی‌گیرد» در بعضی کتاب‌ها بحث‌های مفصلی درباره خواب، تعبیر خواب، انواع خواب‌ها، راجع به خواب حیوانات، خواب زمستانی، خواب نباتات و هیپنوتیزم عملی گردیده است. آیا راستی جای این نوع بحث‌ها در تفسیر است؟ یا مثلاً می‌بینیم در جایی که قرآن می‌گوید: «وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ»، بحث می‌شود که آیا واقعاً خدا کوه را از زمین کنده و بالای سرشان نگاه داشته یا این که این آیه تهدیدی بیش نیست؟ در حالی که مفسر به جای این همه بحث‌ها می‌توانست به آیه دیگر مراجعه کند که فرموده است: «ما کوه را بالای سرشان قرار دادیم که احساس کردند بر سرشان فرو می‌افتد. اعراف، ۱۷۱».

از طرفی می‌بینیم مردم جهان هر روز بیشتر به اسلام و قرآن می‌آیند و در میان ملت‌های جهان جای خود را باز می‌کند و جهانیان، انسان‌ها و پرجمدار حرکت اسلامی و قرآن می‌دانند، از این رو ممکن است ملت‌های تازه مسلمان و یا مسلمانان تازه آزاد شده از ما بخواهند که توضیح و شرحی که بر قرآن کریم داریم در اختیارشان بگذاریم. ولی ما نمی‌توانیم در مرحله اول، تفسیرهای سنگین را به آنها ارائه دهیم و همچنین نمی‌توانیم ترجمه‌های لفظی قرآن را که برای آنها مفید نیست تقدیمشان کنیم. از این رو ضرورت وجود تفسیر مخصوصی احساس می‌شود که مفهوم کلی سوره و آیه را بیان کند و آن‌گاه بی‌آن که ذهن مخاطب را با طرح مسائل متفرقه مشغول کند،

نظر قطعی و یا نظریه قوی را که اکثر مفسرین برآند، تبیین نماید. این امور سه گانه انگیزه تألیف این تفسیر گردیده است. از خداوند متعال درخواست می‌کنیم که برای عمومی شدن تفسیر قرآن و بهره‌مندی اکثر مردم از مفاهیم آن، یاریمان نماید. امید است که این نوشته و تألیف با تکیه به رحمت الهی و اسم هادی، همان چیزی باشد که جایش خالی است.

مآخذ و اسناد

در نگارش این تفسیر از مآخذ مختلفی استفاده گردیده است؛ از جمله تفسیر شریف المیزان، مجمع بیان، تاشف محمد جواد مغنیه، آثار تفسیری شهید مطهری، تفسیر فخر رازی، کشاف، تفسیر بحی الدین عربی، مفردات راغب اصفهانی، نثر طوبی تألیف آیه الله شعرانی، اصول کافی، وسائل الشیعه و آداب الصلوة امام خمینی. ذکر این نکته لازم است که بعضی از تفاسیر معتبره تنهایی جانشین چندین مآخذ دیگر نیز هستند.

توجه: نظر به این که در این تفسیر و بربر اختصار و حذف مطالب و احتمالات غیر لازم است، تا آن جا که ممکن بوده از تکرار مطالب پرهیز شده است. از این رو لازم است خواننده گرامی نخست ترجمه آیات را با دقت بخواند تا معنی لفظی آن برایش روشن گردد، آن گاه به بخش تفسیر مراجعه نماید. همچنین یادش باشد که در این تفسیر آمده از همان مآخذ تفسیری است که معرفی شد. مطلب بعدی این است که تلاصق نویسی نباید چشمه‌های تدبر در قرآن را به روی خواننده ببندد. از این رو در این کتاب در مورد آیاتی که بحث‌های تدبر انگیز و جنجالی داشته است، به تفصیل سخن گفته ایم.

به‌طور مثال در قرآن در سه مورد، تزکیه مقدم بر تعلیم آمده و در آیه ۱۲۹ بقره در دعای حضرت ابراهیم علیه السلام تعلیم مقدم شده است. در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا در فرهنگ قرآنی تزکیه بر تعلیم مقدم است و یا تعلیم بر تزکیه؟ و این موضوع معرکه آراء است و ما در چنین مواردی به تفصیل سخن گفته ایم.

مرحوم سید قطب در تفسیر «فی ظلال» در مورد بعضی آیات جنجالی صراحتاً اظهار

عجز کرده و تفسیر آن را به دیگران موکول نموده است؛ از جمله در مورد آیات استراق
 سمع شیاطین در آسمان، گفته است: «من فقط می‌توانم آن را ترجمه کنم و از تفسیر آن
 صرف نظر می‌کنم.» پس سزاوار است که ما نیز این شیوه را به کار بندیم و از اظهار نظر در
 آیاتی که ما را به عمق آن راه نیست صرف نظر کرده و از تفسیر به رأی و روشنفکرمایی در
 قرآن پرهیز کنیم.

تذکره: علاوه بر ذکر مآخذ کلی این تفسیر در آخر کتاب، مآخذ مطالب و موضوعات
 مهم در پاورقی‌ها با قید شماره صفحه ذکر نموده‌ایم، زیرا در این صورت مطالب کتاب
 معتبرتر خواهد شد.

ابوالفضل بهرام‌پور

تهران - آذر ماه ۱۳۸۰